
رقص هند

۵

نگارش روح‌الله خالقی

رئیس هنرستان موسیقی ملی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

سابقاً چنین تصور میشد که این استان از هنر رقص بهره‌ای

نداشته است ولی پس از اینکه شاعر شهیر هند «رایندرانات

تاگور» سرزمین بنگال را گنجینه شعر و موسیقی نامید و

بایه ابتکارات خود را بر هنرهای محلی بنگال بنا نهاد مردم دیگر هم متوجه شدند که

این سرزمین دارای انواع رقصهای محلی میباشد. بیشتر رقصهای بنگال جنبه مذهبی

دارد هر چند اقسام دیگر هم برای سرگرمی بکار میرود. از جمله رقصهای مذهبی یکی

رقصی است که «شیوا» و همسرش «کالی» را مجسم میکند و باین ترتیب اجرا

میشود:

رقاص درحالی که ماسک بدست دارد با احترام پیش میاید و خم شده زمین را

سجده میکند. درحقیقت مقصود او از سجود اینست که درعین حال که کمال احترام را

بمبوعود خود دارد نقش او را هم بازی میکند . سپس صورت خود را با ماسک میپوشاند و دو خادم که در کنار او ایستاده اند بندهای ماسک را به پشت سرش میبندند و نیزه‌ای سه سر بدست راستش میدهند و پوستهٔ صدفی در دست چپش میگذارند . این رقص تجسم سیمای ریاضت کش شیواست و با ضربات طبل بزرگ بنام دهک (Dhak) همراه است . گاهی آوازهای مذهبی هم همراه رقص خوانده میشود . حرکات رقص بسیار سنگین است و بتدریج تند و باهیجان میشود ولی ناگهان جنبهٔ نمایشی پیدا میکند و چنانکه کوئی نیروی هنریشه با آخر رسیده است بیابان میرسد . پس از آن رقص « کالی » آغاز میشود . ماسک او آبی رنگ و چشمانش سفید است . خطوط قرمز در اطراف دهان وی نشانهٔ جاری شدن خون بطرف چانه میباشد . کالی در دست راست خنجر منحنی دارد . در بین هنگام مهادوا (شیوا) وارد صحنه میشود و رو بزمین میخوابد . کالی دور صحنه بحرکت درمیآید و پای خود را بآرامی روی شیوا میگذارد و بعضی حرکات رقصی میکند . سپس او را ترک کرده رقص پر جوش و خروش خود را آغاز مینماید و خنجر خویش را کینه جو یانه میچرخاند و هر چه بیشتر میرقصد شوریدگی او بیشتر میشود تا بدیوانگی میرسد نظیر رقص تاندوا (Tandova) یعنی رقص شیوا در غم همسر اذ دست رفته اش .

رقص دیگری که با ماسک انجام میشود رقص دو نفری زن فرتوت و مردی پیر است که نشانهٔ شادمانی زندگانی حتی در میان مردم سالخورده میباشد . رقصهای دیگری مذهبی مانند « رادا کریشنا » و « هارا پارواتی » هم معمولست . همچنین رقصی که تغییرات رودخانه گنگ را در فصول مختلف نشان میدهد .

سابقاً نوعی رقص توسط زنان در خانهٔ زمین دارها ۱ با زمین‌های چمن دهکده‌ها یا تالار معابد انجام میگرفته که حالا کمتر متداولست و از نوع همان رقصهایی میباشد که بابتدال گرائیده و بتدریج از میان رفته است *تالقات فرنگی* . رقص دیگری بنام Jatra در بنگال متداولست که بیشتر جنبهٔ نمایش دارد . کلمه جاترا معنی مسافرت میدهد . شاید علت نامگذاری این بوده که دستهٔ عهده دار این رقص از محلی بمحل دیگر برای نمایش هنر خود سفر میکردند . این رقص اکنون بصورت درام کلاسیک در آمده و در صحنه نمایش گذارده میشود .

یکی دیگر از رقصهای بنگال موسومست به Kirtan که سابقهٔ تاریخی دارد و هنگام عبادت و یشنو (Vishnu) انجام میشود . این رقص جنبهٔ عالی دموکراسی دارد که همه از پیر و جوان و فقیر و غنی بدون در نظر گرفتن شأن و مراتب طبقاتی در آن شرکت میکنند .

رقص بخور و رقص اواتار (Avatar) اختصاص بمردم فریدپور (Faridpur) دارد . هر یک از رقصان بخوردانی در دست دارد و در هنگام رقص ادویهٔ معطر را روی

۱ - کلمهٔ زمین دار که بمعنی مالک زمین است در هند مورد استعمال دارد .

ذغال فروزان میریزد و صحنه رقص را دود پر میکند. رقص نذری هم معمولست باین ترتیب که زنی نذر دارد پس از گرفتن روزه، زنان دهکده را بغانه خود میخوانند و دسته جمعی برای شستشو بکنار روخانه میروند و در مراجعت تمام شب را در خانه زنی که نذر کرده بخواندن سرودهای مذهبی مشغول میشوند. روز دیگر زنان از خانه ای بغانه دیگر میروند در حالی که زن نذر دار کوزه ای را که از روخانه پر کرده بسر دارد، در هر خانه طلب هدایائی مانند برنج و عدس میکنند. صاحب خانه سفره ای بر زمین میکشند و کوزه مقدس را روی آن میگذارد و زنان در اطراف کوزه برقص میپردازند و بنا با اهمیت نذری که شده است این تشریفات از سه تا هفت روز بطول میانجامد.

علاوه بر رقصهای مذهبی که ذکر شد رقصهای عادی هم که صرفاً بمنظور خوشی خاطر انجام میشود متداولست مانند Baul که آوازی همراه رقص است و موقع معینی ندارد و مخصوص جشن خاصی نمیشود. اشغالی که درین رقص مهارت دارند زندگی خود را ازین راه تأمین میکنند زیرا روستائیان آنها را برای رقص و آواز بغانه های خود میخوانند و ساعتی را بخوشی و شادمانی میگذرانند. در میان مردم Bankura رقص از کارهای تفریحی و مشغول کننده است. درین جا زنان و دختران میرقصند و مردان نغاره میزنند.

مسلمانهای بنگال یک نوع رقصی دارند که از جمله تشریفات عزاداری ماه محرم است. این رقص در ناحیه Mymensingh رسوم خاصی دارد که بنام مرتیه و «جاری» معروف است. عزاداران حلقه وار قرار میگیرند. بایک دست دامن یکدیگر را میگیرند و دستمالهای قرمز بدست دیگر دارند و هنگامی که میچرخند خلخالهای زنگ دار آنها وزنی مرتب را نشان میدهد. راهنمای این دسته مردیست که در خارج حلقه میایستد و نوحه ای مؤزون با حرکت پای آنها میخواند که مربوط بگریان واقعه کربلا و شهید شدن حضرت امام حسین علیه السلام است. چنانکه ملاحظه میکنید این نوع عزاداری شیعیان تحت نفوذ مراسم هندی قرار گرفته و با آنچه در نزد اهل تشیع در ایران متداولست اختلاف بارز دارد.

رقصهای پنجاب محدود به تشریفات جشن های دره کولو رقصهای پنجاب و سندا (Kulu) است. در فصل تابستان (از اواسط اردی بهشت تا پایان مهر) همواره بازار مکاره دائر است و مناسبترین موقع برای تفریح و رقص و آواز میباشد. در اوائل تابستان که هنگام دروی جو و کندم و کاشتن نشای برنج است کهنه معبد کوچکترین بت را از زیارتگاه بیرون میآورند و در چمنزار دهکده بانوازندگانی که بزدن طبل و سنج و بوق مشغولند بدور آن جمع

۱ - هندوها ناگارا (Nagara) گویند. ۴ - کلمه مرتیه را با تلفظی این چنین

Marcia عیناً بکار میبرند.

میشوند. بت‌های کوچک دیگر را هم روستائیان دهات اطراف بعنوان مهمان‌بت‌اولی
 بهمان محل منتقل می‌کنند و هر يك از بت‌ها را جماعتی با ساز و آواز مشایعت مینمایند.
 کشاورزان زیباترین جامه خود را که بگل آراسته است بتن میکنند. در موقع مقرر
 کسی که بت را بدست دارد آنرا ب حرکت در می‌آورد و چنین وانمود میکند که خدا شروع
 برقص کرده است. در این هنگام یکی از بت‌های مهمان بوسیله کسی که آنرا نگاهداشته
 ب حرکت در می‌آید و در موقعی که بت‌ها بهم نزدیک میشوند بهم سلام و تعارف میکنند.
 روستائیان ازین سلام و آشنائی بت‌ها بهیجان می‌آیند و دست بدست داده دور بت‌ها
 میرقصند و با فریاد شادی آهنگی میخوانند که نوازندگان هم مینوازند. این رقص شور
 و هیجان بسیار دارد و تا شب بطول میانجامد. سپس بت‌ها را بعبه باز میگردانند.
 زنها از دور باین منظره مینگرند ولی در رقص شرکت نمیکند. برهنه‌ها و روحانیون
 همه درین رقص شرکت دارند و آنتهایی که عبادت خدایان را بندرت انجام میدهند حق
 ورود بچمن‌زار و شرکت در مراسم رقص اطراف بت‌ها ندارند.



رقص عامیانه نواحی بین پنجاب و پاکستان

رقص دیگری در Len مرکز Ladakh که مرتفع‌ترین شهر دنیاست (۱۳
 هزار فوت از سطح دریا ارتفاع دارد) همه ساله انجام میشود. این رقص بوسیله
 بودایی‌های تارک دنیا اجرا میشود. آنها از صومعه‌های خود در کوهستانها بیرون

میایند و ماسک بصورت دارند و قصدشان اینست که با سحر و جادو افکار ناپسند را که دیو زشتی و فساد در پیروانشان رسوخ داده است بزدایند. این رقصها آن چنان تماشائیت که همه ساله جهانگردان بخود این زحمت را میدهند که از کوههای پر برف بگذرند و در تیرماه بقله های مرتفع که محل این تشریفات است برسند و ناظر این رسوم باشند.

در نواحی کم ارتفاع پنجاب دخترانی که کارشان رقصیدن است در مهمانیها شرکت میکنند و موجبات سرگرمی مهمانان را فراهم میآورند. این رقصها حکایاتی عاشقانه را مجسم میکند. یکی از آنها داستان عاشق شدن « میرزا صاحب » بدختر مسلمانیست که خانواده آنها راضی باین وصلت نیستند و در نتیجه دودلداده فرار میکنند و مردم آنها را دنبال کرده میکشند. حکایت دیگر که در فولکلور اغلب ملل دیده میشود داستان دختر بست که او را با جبار برردی شوهر میدهند و دختر که عاشق دیگریست فرار کرده خود را بطالب اصلی میرساند.

در قریه های پاتیالا (Patiala) رقاصان و آوازخوانها را برای هنرنمایی اجیر میکنند. نوازندگانی که با آنها ساز میزنند « ربایی » نام دارند که رباب مینوازند و گویند این آلت موسیقی را تان سن (Tan Sen) اختراع کرده است در صورتیکه سابقه بسیار قدیمتری دارد.



رقص گومر

در ناحیه « مظفر کره » (Mozaffargarh) رقصی بنام جهومیر (Ghumir)

دارند که در هر گونه تشریفاتی از آن استفاده میشود. اصول رقص ساده و دایره‌وار است و رقصان دست میزنند. مردانی که از عهده این رقص بر نیایند در بین مردم قدر و منزلتی ندارند. گویند اصل این رقص از بلوچستان است و شتر بانان بلوچ بخوبی از عهده آن بر میایند.

رقص **Khattak** در پنجاب متداولست و اغلب جنبه رزمی پیدا میکنند. درین رقص گاهی نشاط باندازه‌ای میرسد که نوازندگان هم بر رقص شروع میکنند و در حین رقص، آلات موسیقی خود را مینوازند. این رقص مقدمه مهمانی بزرگ است که کوسفند و بز ذبح میکنند و گوشتها را کباب کرده در صحنه رقص میخورند.

در میان مردم «سند» رقصه‌هایی که این کار شغل آنهاست در مهمانیها شرکت میکنند و تماشا کنندگان را سرگرم مینمایند و این رسم در بین مسلمانان بیش از هندوان معمولست. در قدیم نیز دربار امرای این سامان توجه بسیار بهنرهای زیبا و رقص داشته است چنانکه گویند در مهمانیهای درباری چنان همه بشور و ذوق میآمدند که تشریفات رسمی فراموش میشد و تمام حاضرین بر رقص میپرداختند و چیزی که بیشتر موجب این شور و جذبه میشد غزلهای فارسی بود که توسط آواز خوانها سرانیده میشد.

هندوان ناحیه سند علیا بر رقص بهاگات (Bhagat) علاقه بسیار دارند و هنگام رقص سرودهای مذهبی میخوانند و هرگز از خواندن آنها که ساعات مستوالی بطول میانجامد خسته نمیشوند. این سرودها در وصف خدایان و با احترام آنهاست. در مرکز هند چند استان قرار دارد مانند مادیا پرادش ۱

استانهای مرکزی مادیا پرادات ۲ و بندیا پرادش ۳ و بهوپال ۴ که درین جا از رقصهای محلی این قسمت گفتگو میکنیم:

ساکنین این استانها مذهب هندو دارند و جشنهای بزرگ مذهبی در مواقع مختلف سال منعقد میکنند مانند جشن **Basant Panchmi** (در آخرین هفته ژانویه و آغاز فوریه) که اول بهار است و درین جشن عروسهای بسیار پیش میآیند. جشن هولی (Holi) در ماه مارس که سابقاً ذکری از آن بمیان آمد. جشن **Ganmashtami** (در ماه اوت و سپتامبر) که روز تسولد کریشناست. جشن **Dusserah** (در سپتامبر و اکتبر) که ده روز طول میکشد و بافتخار **Devi** همسر شیوا که در جنگ با دیو گاو سر فاتح شده است منعقد میشود. جشن دیپا والی (Dipavali) در اکتبر و نوامبر معروف ب جشن روشنایی که نشانه است از غلبه کریشنا بر دیوی بنام **Norakasura** و در تمام این جشنها موسیقی و رقص از تشریفات ضروری بشمار میرود.

۱ - Madhya Pradesh - ۲ Madhya Bharat

۳ - Vindhya Pradesh - ۴ Bhopal

در گوالیور (Gwalior) آواز و رقص تفریح اساسی مردم است و بیشتر زنان درین کار شرکت دارند. در اجمیر (Ojmir) همه ساله بازار مکاره در ماه ژوئیه منعقد میشود و شب قبل از افتتاح بازار، زنان و مردان تا صبح بیدار میمانند و با آواز و رقص میگذرانند و هدایایی مانند برنج بخته و جو و میوه بعبه تقدیم میکنند. در واردا (Wardha) رقصی دارند که مردی جامه دخترانه میپوشد و درحالی که میرقصد داستان زندگانی زنی را که از کودکی تاپیری حکایت میکند که برای روستاییان بسیار جالب است.

رقص دیگری هست موسوم به کارما (Karma) که در آن، زنان و مردان شرکت دارند و هر دو در صفهایی مقابل یکدیگر قرار میگیرند و نوازندگان که طبلی بنام Timki مینوازند در وسط آنها روی زمین می نشینند. برای تماشای این رقص عدهای زیاد از اطراف میایند و ازدحام میکنند.

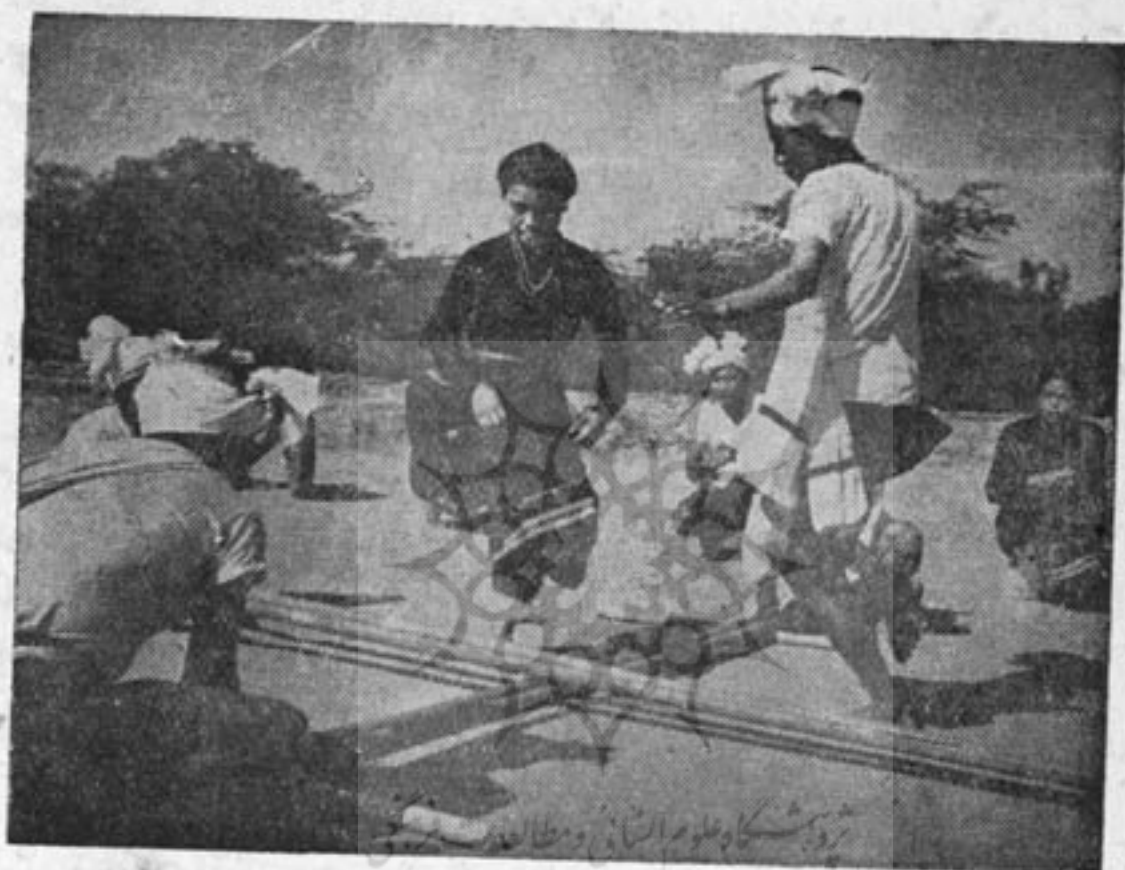
معروفترین رقص محلی این ناحیه رقص کاربا (Garba) است.

رقصهای گجرات آوازی که با این رقص میخوانند همین نام را دارد. در جشن ناواراتا (Navarata) که مدت نه شب طول میکشد هر خانواده کلدانی بنام گاربی (Garbi) دارند که در جای مخصوصی نگاهداری میکنند. میان کلدان قبیله ایست که در روغن گذارده اند و چون دور کلدان سوراخهایی دارد وقتی قتیله را روشن کنند روشنائی آن هویداست. باری در شب معهود، کلدان را روشن میکنند و دختری آنرا روی سر نهاده از خانه بیرون میرود. منظره دختران که هر یک چراغی سردارند بسیار تماشائست. هنگام رقص، راهنمای هر دسته آواز «گاربا» میخواند و دختران با او پاسخ میدهند و در حالی که دست میزنند بچپ و راست خم میشوند و میرقصند. آلت ضربی که رقص را همراهی میکند دهلك است و اخیراً ارک دستنی هم معمول شده است. بدتبال رقص گاربا که مخصوص دختران است مردان هم در صحنه رقص شروع به نرسمائی میکنند و با تکان دادن دستالهائی که زنگ کوچکی بآنها بسته اند اوزان موسیقی را نشان میدهند.

آواز «گاربا» از نواهای قدیمی است و لطف و زیبایی خاص دارد. علاقمندان بفولکلور در سالهای اخیر مشغول جمع آوری این نغمه ها شده اند تا در اثر نفوذ تمدن جدید از زوال آنها جلوگیری نمایند. بعضی گویند «گاربا» از کلمه سانسکریت گاربا (Garbha) آمده است که معنی زهدان را میدهد و چراغی که در آن میسوزد نشانه حیات و زندگانی با کودک است. زیرا معمول چنین است که زنان ناذا بعبه مشهور دواریکا (Dwarika) میروند و در مقابل بتها آواز «گاربا» میخوانند و میرقصند.

۱ - اغلب نویسندگان کتابهای رقص و موسیقی هند مینویسند ارک دستنی که در سالهای اخیر بتقلیدار و پائیان در هند ساخته میشود در موسیقی نوده رواج گرفته تقلید ناروالیت زیرا با این ساز نمیتوان از عهدة اجرای حالات مخصوص موسیقی هند برآمد.

و طلب فرزند میکنند. راهب معبد کف دست آنها را بطرزی مخصوص داغ میکنند و بآنها وعده میدهد که نذرشان قبول شده است. این زنان این افتخار را دارند که اگر هم صاحب فرزند نشوند در هنگام مرگشان هر جوانی بمنزله فرزند آنهاست و میتوانند بدست یکی ازین فرزندان سوخته شوند تا روح آنها بس ازمرگ آسوده و راحت باشد.



رقص « ناسا » که در مناطق مانپور اجرا می شود. در این رقص آنها که نشسته اند همراه با موسیقی باوزن معینی چوبهارا بهم می زنند. هنگامی که بین چوبها فاصله ای پیدا می شود رقص درمیان آن می پرد ولی باید دقت نماید و بموقع بپرد زیرا در غیر اینصورت چوب پایش خواهد خورد

از مطالب گذشته چنین استنباط میشود که رقصهای محلی یکی از آثار برجسته فرهنگ هند بشمار میرود و بهین جهت در نگاهداری آنها وتشویق ملت بانجام این هنر کمال اهتمام بعمل می آید. زیرا رقص مایه نشاط آدمیست و ملتی کامرواست که شاد و خندان باشد. هرچند در قرون گذشته در بزرگداشت این هنر محلی غفلت شده ولی اذدوره استقلال بعد مخصوصاً دولت هند اهمیت بسیار بفن رقص داده و موجبات

تجدید حیات آنرا فراهم نموده و مردم را راهنمایی کرده است که ازین هنر بترتیب صحیح استفاده کنند. یکی از نشانه های علاقمندی دولت مرکزی باین هنر ازین جا معلوم میشود که همه ساله درروز جشن جمهوری گروهی از مردم استانهای مختلف را بدلهلی نو فرا میخواند تا دررقصهای دسته جمعی شرکت کنند و هنر خود را بهم میهنان خویش ارائه دهند؛ این کار نتایج بسیار بیار آورده است چه مردم نقاط گوناگون کشور بهنر ملی نواحی دیگر آشنا میشوند و قدر و ارزش این هنر را بخوبی درمییابند. حتی از بعضی ازرقصهای محلی در عملیات ورزشی شاگردان مدارس استفاده میکنند و مربیان ورزشی، آنها را بدانش آموزان تعلیم میدهند. در نتیجه بعضی ازرقصها علاوه بر محلی بودن جنبه عمومی و ملی یافته و جوانان با آنها آشنا شده و با اهمیت این هنر که یادگار نیاکان آنهاست واقف گردیده اند و این خود وسیله ایست برای استحکام رشته اتحاد ملت و شک نیست که ابتکار رهبران هند برای تقویت بنیان فرهنگی چنین غنی و زیبا سزاوار بسی تقدیر است.

پایان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تک مضراب!

زنگال جامع علوم انسانی

... کنسرواتوار، یعنی هنرستان عالی موسیقی پاریس ...

از توضیحات مترجم فارسی یکی از آثار «ژید»